

مجاهدانِ آزوف¹ بزرگترین سلاح برای اوکراین و شاید هم بزرگترین تهدید برای اوکراین؛ تهدیدی برای ثباتِ پسا-درگیری: تمایل گردانِ متشکل از سربازانِ داوطلبِ راست افراطی به «اقامهٔ مبارزه در کی‌یف».

گاردین، 2014

ترجمه پارسا زنگنه

شایان ذکر: هرآنچه در قلاب ([]) آمده است توضیحات مترجم است.

خبرنگار: در حالی که شبِ تاریکِ ماریوپل را در یک کامیون سپری می‌کردیم، و یک مسلسل هم در عقبِ کامیون قرار داشت، دمیتری گفت: «من بر علیه ناسیونالیست‌های روس و یا بر علیه یک روسیهٔ بزرگ نمی‌جنگم. اما پوتین حتی یک روس هم نیست. او یک یهودی است». دمیتری - که بنا به گفتهٔ خودش نام واقعی او چیز دیگری است - یکی از اهالی شرق اوکراین و عضو گردانِ آزوف است. آزوف: گردانی متشکل از سربازانِ داوطلب است که در جنگ اوکراین با جدایی طلبانِ طرفدارِ روسیه عهده‌دارِ بخش عمده‌ای از نبردها در خط مقدم بود. این گردان یکی از چندین تشکیلاتِ داوطلبانه‌ای است که در شرق اوکراین در کنار ارتش جنگیدند. دلیل شهرتِ این تشکیلات این است که آنها هیچ ترسی از جنگیدن ندارند. [گردانِ آزوف در منطقه ماریوپل و در کرانه دریای آزوف مستقر است و به همین خاطر نام آزوف را برای خود برگزیده است. این یگان ویژه نظامی در 5 مه سال 2014 تشکیل شد و به عنوانِ واحدِ نئونازیِ گارد ملی اوکراین نیز شناخته می‌شود.]

اگرچه آزوف و سایر تشکیلاتِ داوطلبانه شاید از تأثیرگذارترین و قابل اتکاءترین نیروهای اوکراین در میدان نبرد علیه جدایی طلبان باشند، اما زمانی که درگیری در شرق اوکراین به پایان برسد این امکان وجود دارد که این تشکیلات برای دولت اوکراین و شاید حتی حکومت²، جدی‌ترین تهدید به شمار بروند. بسیاری از اعضای آزوف یک نوع دل‌نگرانی خاص را برانگیخته می‌کنند، چراکه آنها تمایلاتِ راست‌گرایانه افراطی دارند، و همچنین تمایلاتی یکسان با نئونازیست‌ها.

دمیتری مدعی شد که او یک نازیست نیست، اما در مدحِ آدولف هیتلر (هیتلر در مقام یک رهبر نظامی) غزلیات می‌سرود و معتقد بود که هولوکاست هرگز واقعیت ندارد. البته در تشکیلاتِ آزوف همه با دمیتری

هم‌اندیشه نبودند، اما گاردین پس از صحبت با ده‌ها تن از مجاهدان و همچنین گذراندن چندین مأموریت در طول هفته گذشته در بندر استراتژیک ماریوپل و نیز حوالی این شهر مهم، این واقعیت را دریافت کرد که بسیاری از آنها دیدگاه‌های سیاسی واقعاً نگران‌کننده‌ای دارند؛ تقریباً همه آنها یک قصد دارند: وقتی جنگ در شرق اوکراین به پایان رسید «در کی‌یف اقامه مبارزه کنند [درگیری را به کی‌یف بکشانند]».

نماد این گردان یادآور «ولفسنجل نازی»^۳ها است. البته خودشان بر این باورند که حروف «N و I» ای که به صورت متقاطع نوشته می‌شوند تنها مخفف عبارت «ایده ملی»^۴ است. بسیاری از اعضای این تشکیلات با گروه‌های نئونازی ارتباط دارند. حتی برخی از آنها که با اتهام نئونازیست بودن مواجه شدند و به صراحت هم به آن خندیدند، در راستای تکذیب این گزاره توانستند ادله‌ای قانع‌کننده ارائه دهند.

یکی از مجاهدان در پاسخ به این سوال که آیا در گردان آروف نئونازیست‌ها حضور دارند، چنین گفت: «البته که نه... این ادعاها جعلی است، تعداد بیشماری از افراد صرفاً به اساطیر نوردیک^۵ علاقه دارند!» اما به رغم این، زمانیکه از او پرسیده شد دیدگاه سیاسی او چیست، او گفت: «ناسیونال سوسیالیست». فرد دیگری در پایگاه آروف که خالکوبی «سواستیکا [صلیب شکسته آلمان نازی]»^۶ را بر روی بدن خود داشت، درباره این خالکوبی چنین ادعا کرد: «سواستیکا هیچ ربطی به نازی‌ها ندارد، این نماد خورشید باستانی است».

این گردان، داوطلبان راست افراطی را از خارج از خاک اوکراین هم جذب کرده‌است، مانند میکائیل اسکیلت^۷، یک سوئدی 37 ساله: فردی که در ارتش سوئد به عنوان یک تک‌تیرانداز آموزش دیده‌است و خود را یک «ناسیونالیست قومی»^۸ توصیف می‌کند. او همراه با گردان در خط مقدم می‌جنگد.

علیرغم وجود این واقعیات، می‌توان گفت این ادعای پروپاگاندای روسیه یک ادعای بیش از حد غلو شده و افراط‌آمیز است: «خونتای فاشیستی»^۹ کی‌یف در شرق اوکراین قصد وجودزدایی از روس‌زبان‌ها را دارد. در میان نیروهای اوکراینی، تشکیلات آروف در اقلیت است و حتی دیدگاه‌های آنها هرچقدر هم که ناگوار باشد، اما ضد-روس‌زبان‌ها نیست. در واقع زبان رسمی‌ای که این تشکیلات برای خود برگزیده‌است، زبان روسی است؛ گذشته از این، بیشتر آن مجاهدان حتی زبان مادری‌شان هم زبان روسی است.

Mikael Skillt⁷
Ethnic Nationalist⁸
Fascist Junta⁹

Nazi Wolfsangel³
national idea⁴
Nordic Mythology⁵
Swastika⁶

در واقع، هر آنچه که اعضای آژوف درباره نژاد و ناسیونالیسم می‌گویند، بخش اعظم آن به‌طور قابل ملاحظه‌ای شباهت به آن دیدگاه‌هایی دارد که متعلق به ناسیونالیست‌های رادیکال‌تر روسی است. در واقع شباهت به دیدگاه افرادی دارد که با جبهه تجزیه‌طلب در مبارزه‌اند.

در تشکیلات آژوف یک داوطلب اهل روسیه هم حضور دارد: یک جوان 30 ساله اهل سنت پترزبورگ که حاضر به ذکر نام خود نشد. او گفت که بسیاری از فرماندهان شورشی روس‌زبان را مثبت‌اندیش می‌بیند، خصوصاً ایگور استرلکوف^{۱۰}: یک افسر سابق «سرویس امنیت فدرال روسیه^{۱۱}» که نسبت به باز-تصویب و باز-فعلیت-بخشی نظامی چنان اشتیاق و علاقه‌مندی شدیدی در او وجود دارد که گویی خود را در سیمای یک افسر تزاری دریافته‌است. داوطلب گفت: «استرلکوف می‌خواهد روسیه بزرگ را احیاء کند، اما او نهایتاً یک مهره سرباز در شطرنج پوتین است». او گفت امیدوار است که روسیه هم روزی [همانند اوکراین] برای خود یک «میدان^{۱۲} ناسونالیستی و خشونت‌بار» داشته‌باشد. [منظور از میدان، موج اعتراضاتی است که در 21 نوامبر 2013 در اوکراین شروع شد و بعداً «یورومیدان^{۱۳}» یا «میدان اروپا» نام گرفت. این اعتراضات زمانی شروع شد که ویکتور یانکوویچ رئیس‌جمهور اوکراین در سال 2013 یک قرارداد تجاری با اتحادیه اروپا را به هم زد و در عوض به سوی روسیه قدم برداشت و همین زمینه‌ساز کودتا بر علیه او در سال 2014 شد. پوتین هم برای پاسخ به این کودتا کریمه را تصرف و الحاق کرد].

در یکی از روزهای مربوط به اوایل همین هفته، گروهی از مجاهدان آژوف به نوار مرزی سفر کردند تا چندین جعبه گلوله را به گارد مرزی ارتش اوکراین تحویل دهند. گروهی از گاردین هم به همراه این مجاهدان برای تهیه گزارش به این سفر رهسپار شدند. ماجرا از این قرار است که طی روزهای گذشته در جریان یکی از حملات توپخانه‌ای در خارج از ماریوپل، گارد مرزی ارتش اوکراین به کمک گروهی از مجاهدان آژوف رفته بود، در نتیجه اکنون تحویل این گلوله‌ها بهانه‌ای برای تشکر از ارتش اوکراین است.

ما در حالی که با یک شورت غیرنظامی به همراه سرباز داوطلب روس به سمت یک ایستگاه ایست و بازرسی می‌رفتیم، سرباز داوطلب اینگونه توضیح داد: «همه‌چیز در این جنگ [نبرد شرق اوکراین] بر اساس «روابط حضوری^{۱۴}» است؛ کی‌یف هیچ‌کاری انجام نمی‌دهد». صندوق عقب شورت پر از گلوله و راکت-انداز بود و یکی از پنجره‌های اتوموبیل هم در جریان نبرد اخیر بخاطر اصابت گلوله پایین ریخته بود.

سپس مجاهد روس اینگونه گفت: «سازوکار اینجا بدین شکل است: در ابتدا شما به یک منطقه ناآرام^{۱۵} می‌روید و بعد آنها متوجه می‌شوند که شما یک آدم واقعاً شجاع هستید. در همین حال شماره تماس‌تان را از شما می‌گیرند و آنها هم شماره تماس‌شان را به شما خواهند داد. در این حالت شما سری بعد می‌توانید به نفع

Euromaidan¹³
personal links¹⁴
Hot-spot¹⁵

Igor Strelkov¹⁰
FSB¹¹
Maidan¹²

خودتان با آنها تماس حاصل کنید. شما اگر نیاز به یک حملهٔ توپخانه‌ای داشته باشید و با یک سرهنگ ارتش تماس بگیرید، سه ساعت هماهنگی‌ها طول می‌کشد و در نتیجه شما خواهید مُرد! اما اگر شماره سروان یا سرگردِ توپخانه را داشته باشید و مستقیماً با او تماس برقرار کنید، آنها فوراً به شما ملحق خواهند شد. ما گردانِ آزوف هستیم و آنها هم خوب می‌دانند اگر زمانی به ما نیاز داشته باشند ما نیز تمام و کمال در کنارشان خواهیم ایستاد».

از نظر تشکیلات آزوف، فرمانده‌ها و بلندپایه‌ها در ارتش کی‌یف آدم‌هایی هستند که تنها مایهٔ تحقیرند. آزوف بر این نظر است که زیان‌های مهیبی که ارتش اوکراین در هفته‌های اخیر متحمل شده‌است، همه بخاطرِ تصمیمی بود که این افراد گرفتند: دستور عقب‌نشینی از «یلووايسک»^{۱۶}: دستوری محکوم به شکست. در همین راستا اسکیلِت سوئدی گفت: «این فرماندهانِ عالی‌رتبه باید به جرم خیانت زندانی شوند. سرهایشان مطمئناً لوله خواهد شد»^{۱۷}! من فکر می‌کنم نبردی در راه باشد، نبردی برای تصاحبِ قدرت».

در همین راستا دمیتری گفت: «نیروهای مسلح اوکراین ارتشی از شیرها هستند که یک گوسفند آنها را رهبری می‌کند». در نتیجه این وضع به زودی به پایان خواهد رسید [منظور این است که جنگ داخلی در راه خواهد بود]. با این همه جوان مسلح، با جوانانی که همه گرگِ باران دیده^{۱۸} شده‌اند، و با جوانانی که خشمگین از جبههٔ شرق بازمی‌گردند، با وجودِ همهٔ این‌ها، عبارتِ «لوله‌کردن سرها»^{۱۹} بسی بیش از آن چیزی است که تنها یک عبارتِ استعاره‌ای باشد. [لوله‌شدنِ سرها: جداشدن سر از بدن - کشتار در راه است]. دمیتری ادامه داد: «من معتقد هستم که اوکراین برای رسیدن به قدرت، به یک دیکتاتور قدرتمند نیاز دارد؛ کسی که بتواند بسیار خون‌ها بریزد اما ملت را در این روند متحد کند».

بسیاری از اعضای گردان آزوف - که گاردین با آنها گفت‌وگو کرد، - چنین دیدگاهی داشتند: شرایطِ اکنون، فاصلهٔ بسیار زیادی با آن خواسته‌هایی دارد که آغازگرِ اعتراضات در کیف بودند و در اصل، منجر به این اعتراضات شدند. آن خواسته‌ها شامل ایده‌آل‌های اروپایی و نیز رسیدن به دموکراسی بود. سربازِ داوطلب روسی گفت: «معتقد هستم که اوکراین به یک خونتا نیاز دارد تا حقوق مدنی برای مدتی محدود شود، چراکه خونتا به ایجاد نظم و به اتحاد کشور کمک می‌کند». پرتوهای ناظم در گردان آزوف بدین شکل روئیت‌پذیر بود: [به‌عنوانِ مثال] نوشیدن الکل اکیداً ممنوع است؛ در همین راستا یکی از مجاهدان با افتخار لب به چنین سخنانی گشود: «روزی یکی از اعضاء مست کرد، فرمانده محکم به صورت و به پاهای او کوبید تا آن آدم مست دیگر نتواند راه برود، سپس او را بیرون انداخت».

battle-hardened¹⁸
rolling of heads¹⁹

Ilovaysk¹⁶
Heads are going to roll for sure¹⁷

علاوه بر گردان آروف، سایر تشکیلات متشکل از سربازان داوطلب نیز در کانون توجه همگانی قرار گرفته‌اند. سازمان عفو بین‌الملل درست همین هفته از دولت اوکراین خواست تا دربارهٔ مصادیق نقض حقوق بشر و اعدام‌های احتمالی توسط «گردان آیدار»^{۲۰} نیز تحقیق کند. آگردان آیدار: تشکیلاتی مشابه با آروف است که نام آن برگرفته از رودخانه آیدار در منطقهٔ لوهانسک است. این تشکیلات ابتدا در کرانهٔ این رودخانه مستقر شد و به همین خاطر نام خود را «آیدار» برگزید. این گردان در ماه مه ۲۰۱۴ ایجاد شد و اولین گردان مدافع منافع ارضی اوکراین^{۲۱} بود - یک یگان نظامی متشکل از سربازان داوطلب و زیرنظر وزارت دفاع. این گردان تا اکتبر ۲۰۱۸ تعداد ۱۳۰ سرباز خود را در درگیری‌ها از دست داد.

سلیل شتی^{۲۲}، دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل در کی‌یف گفت: «عدم توقف تعدی‌ها، سوءاستفاده‌ها از اختیارات فردی و جنایات جنگی احتمالی توسط گردان‌های متشکل از سربازان داوطلب، چیزی جز خطر تشدید تنش‌ها در شرق اوکراین را در پی نخواهد داشت. گذشته از این، باعث ویران‌سازی قصدمندی‌هایی می‌شود که توسط مقامات جدید اوکراین رسماً در جهت تقویت و حمایت گسترده‌تر از حاکمیت قانون اعلام شده‌است». مجاهدان آروف ماه گذشته به گاردین گفتند که مترصد رخ دادن «انقلاب تازه»ی در اوکراین هستند چراکه این امر باعث می‌شود رهبر نظامی قاطع‌تری برمسند قدرت بنشیند؛ کسی که عقاید^{۲۳} او مشابه با عقاید عمدهٔ مجاهدان آروف باشد.

با وجود اینکه بسیاری از مجاهدان آروف تمایل دارند که بعد از اتمام جنگ در شرق اوکراین، در کی‌یف اقامهٔ مبارزه کنند، اما فرماندار منطقه دونتسک، سرهی تاروتا که یک الیگارش است، نه‌تنها چنین میلی از سوی آروف را تکذیب کرده‌است، بلکه مساعدت و بودجه هم برای این تشکیلات در نظر گرفته‌است. یکی از دستیاران تاروتا به نام الکس گوژون^{۲۴}، به گاردین گفت: «اینکه دیدگاه سیاسی تک‌تک اعضای آروف چه چیزی باشد امری مسئله‌برانگیز نیست. در ضمن نماد این تشکیلات هم مایهٔ نازیستی ندارد».

گوژون رسماً در پاسخ کتبی به سوالات این‌چنین گفت: «نظر آن مجاهدان تا زمانیکه قانون را زیر پا نگذارند، به خودشان مربوط است. نمادشان هم نازیستی نیست. به من اعتماد کنید. من برخی از اعضای خانواده‌ام را در اردوگاه‌های کار اجباری از دست داده‌ام؛ بنابراین من یک قابلیت ویژه دارم و آن هم این است که من قادرم نازی‌ها را بو بکشم».

یکی از سرجوخه‌های آزوف با نام مستعارِ کرت^{۲۵} به گاردین گفت: «گردان آزوف علاوه بر وظایف خط مقدم خود، در مقامِ «نوعی یگانِ پلیس» نیز عمل می‌کند». کرت فردی علاقه‌مند به تاریخ قرون وسطا است. او همچنین در نمایش‌های مربوط به بازآفرینی^{۲۶} نبرد وایکینگ‌ها نیز ایفای نقش کرده‌است و زمانی هم یک شرکت گردشگری در تایلند داشته‌است. او اکنون به شرق اوکراین آمده تا به آزوف بپیوندد. او گاردین را در گشت شبانه در حومه ماریوپل و روستاهای اطراف خط مقدم راهنمایی کرد.

ما در یکی از روزهای مأموریت، به‌همراه بخشی از مجاهدان و به همراه بخشی از افسران و سربازانِ پلیس، بدون اینکه منع قانونی‌ای در کار باشد، در کاروانی به شدت مسلح و متشکل از سه وسیله نقلیه، همگی با هم به مسافرت رفتیم. با نزدیک شدن به نیمه‌شب، ما از جاده‌های ناهموار به سمت حومه ماریوپل حرکت کردیم که در همین حین با یک اتوموبیل پارک‌شده در کنار جاده برخوردیم که همین باعث برانگیخته شدن شک افراد حاضر در این سفر شد. مجاهدان به سمت اتوموبیل هجوم بردند و اسلحه‌های خود را به سمت آن نشانه گرفتند. مردی مبهوت از اتوموبیل پیاده شد، سپس زنی ترسان با لباس مهمانی و سیگاری نصفه‌نیمه در دست بیرون آمد و موهایش را صاف کرد. مجاهدان آزوف پس از بررسی مدارک و جستجوی کامل خودرو، از این زوج عذرخواهی کردند و ما به اتوموبیل‌ها برگشتیم.

وقتی به خط مقدم نزدیک‌تر می‌شدیم، کرت و دیگران پشت‌سرِ تک‌تیراندازان و تجزیه‌طلبان راه افتادند و به‌وسیله دوربین شروع به بررسی دوردستها کردند. سپس دریا را بررسی کردند. آنها زمانی که در حال بررسی دریا بودند تا ردی از کشتی‌های پشتیبانی دشمن بیابند، مجدداً به یک اتوموبیل دیگر مشکوک شدند: یک جیپ، که در ساحل پارک شده بود. مجاهدان به سرعت به سمت اتوموبیل رفتند، اما معلوم شد که دوباره با افرادی اشتباهی برخورداند: تعدادی زن که در ساحل در حال خوش‌گذرانی‌اند: در حال نوشیدن شرابِ گازدار با جام‌هایی پلاستیکی در دست.

آزوف دیگر تا حدودی وارد تشکیلات نظامی اوکراین شده‌است و رسماً به عنوان یک یگان ویژه پلیس عمل می‌کند. بحث‌هایی وجود دارد که آزوف و سایر گردان‌های مشابه می‌توانند پس از پایان درگیری ادر شرق اوکراین، با ارتش یا نیروهای ویژه ادغام شوند. اما به رغم این، برخی از این تشکیلات داوطلبانه نظیر آزوف امیدوارند که اوکراین در آینده‌ای نه چندان دور، دچار دگرگونی شود. اگرچه این تشکیلات به نسبت کل اوکراین تنها یک اقلیت کوچک به‌شمار می‌آیند، اما یک نکته را نباید هرگز فراموش کرد: این اقلیت کوچک صاحب تسلیحات نظامی بی‌شماری هستند. دمیتری گفت: «رئیس‌جمهور پترو پوروشنکو^{۲۷} ظرف چند ماه

آینده کشته خواهد شد و یک دیکتاتور به حکومت خواهد رسید. پلیس می‌تواند چه کار کند؟ آنها حتی نتوانستند اقدامی علیه تظاهرکنندگان «میدان» انجام دهند، تظاهرکنندگانی که به صورت مسالمت‌آمیز به خیابان‌ها رفته بودند. پلیس‌ها قادر به مقاومت در برابر یگان‌های مسلح متشکل از مجاهدان نخواهند بود».

پایان

برای دسترسی به اصل مقاله پیوند زیر را دنبال کنید:

<https://www.theguardian.com/world/2014/sep/10/azov-far-right-fighters-ukraine-neo-nazis>